

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و یکم، شماره پیاپی ۸۲/۳،
بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۲۶-۱۰۷

امامت در «صحیفه سجادیه»*

محمد محمودپور

عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

Email: mahmoodpoor@um.ac.ir

دکتر صاحبعلی اکبری

استادیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

Email: akbari-s@um.ac.ir



مرکز تحقیق کاپیور علوم اسلامی

چکیده

از جمله منابع مورد استفاده در بررسی تاریخ اندیشه اسلامی، سیره معصومان(ع) به ویژه روایات مستند به ایشان است. حساس ترین دوره تاریخ در سیر تحول اندیشه سیاسی اسلام، آغاز دوران بنی امیه و تبدیل خلافت به سلطنت در این دوران است. در این میان امامان شیعی(ع) بنا بر وظیفه الهی در جهت حفظ و احیای اندیشه اسلامی اقدامات خاصی انجام دادند. در این نوشتار جهت گیری امام سجاده(ع) در حساس ترین دوره تاریخ اسلام، بر اساس «صحیفه سجادیه» مورد بررسی قرار گرفته است تا راهبرد ایشان در جهت حفظ خط امامت شیعی آشکار شود.

کلید واژه‌ها: امام سجاده(ع)، امامت، بنی امیه، صحیفه سجادیه.

* . تاریخ وصول: ۱۳۸۶/۰۴/۰۹، تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۶/۱۲/۱۲.
این مقاله از طرح پژوهشی شماره ۱۳۲۸۷ استخراج شده است که در تاریخ ۱۳۸۳/۸/۲ در دانشکده الهیات به تصویب رسیده بود.

درآمد

صحیفه سجادیه با ۵۴ دعا، از جمله آثار باقی مانده از قرن اول هجری، وبه عقیده شیعیان، اولین مکتوب حدیثی شیعه است. این کتاب از اواسط قرن ششم هجری به صورت فعلی تدوین شد (مدرسی طباطبائی، میراث مکتوب شیعه، ص ۶۰) و نسخه های فراوانی از آن در دست است. بدون شک صحیفه سجادیه شهرت و رواج کنونی خود را مدیون مجلسی اول (ف ۱۰۷۰ ق) است. (مدرسی طباطبائی، میراث مکتوب شیعه، ص ۵۹؛ معارف، ص ۲۲۲) به طوری که پس از آن مورد توجه علمای شیعه قرار گرفته و بارها شرح و تفسیر و ترجمه شد.^۱

افزون بر صحیفه سجادیه، کوشش های فراوانی برای گردآوری دعا های منسوب به امام سجاده (ع) صورت گرفته است. برخی از آنها چون "ادعیه الامام زین العابدین" و "الصحیفه السجادیة الجامعة" به ترتیب شامل ۲۶۷ و ۲۷۰ دعا است (آقابزرگ تهرانی، ج ۱۵ / ۲۱-۱۸؛ مدرسی طباطبائی، میراث مکتوب شیعه، ص ۵۹-۶۰). اما از آنجا که هیچ کدام از این آثار به شهرت و مقبولیت صحیفه سجادیه نرسیده است، در این تحقیق، صحیفه سجادیه مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

مهمترین علت توجه علمای شیعه در سال های اخیر به صحیفه سجادیه، عبارات و مضامین بلند اخلاقی، عرفانی و تربیتی آن بوده است و در این میان ابعاد سیاسی و اجتماعی آن کمتر مورد توجه واقع شده است. به نظر می رسد این امر به دلیل کثرت و غلبه مضامین بلند عرفانی و اخلاقی در این کتاب بر دیگر موضوعات یا شک و تردید در استناد آن به امام بوده است.^۲

۱. ر.ک: حکیم، سید محمد حسین؛ نسخه های خطی، شروح و ترجمه های صحیفه سجادیه؛ کتابخانه آیت الله مرعشی، قم: ۱۳۸۲؛ مدیرشانه چی، کاظم؛ «دعا و نیایش» نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی، شماره سی، مشهد: ۱۳۷۴، ص ۱۰-۳۹.

۲. ر.ک: درگاهی، حسین؛ کتابخانه صحیفه سجادیه؛ نشر رایزن، تهران: ۱۳۷۸.

تنها اثری که می توان از آن به عنوان سابقه نظری این مقاله یاد کرد، کتاب "سیاست و اجتماع در صحیفه سجادیه"^۱ است که مولف بدون در نظر گرفتن فضای سیاسی و اجتماعی عصر امام سجاده (ع) و صرفاً با هدف نشان دادن ارتباط عرفان و سیاست، به گزینش پاره ای مطالب مفید اما پراکنده و آشفته بسنده کرده و با تکیه به دریافت های شخصی و برخی استنادات قرآنی، درصدد تحلیل آن ها برآمده است.

روش تحقیق

در این نوشتار با استفاده از تحلیل محتوایی صحیفه سجادیه، مسأله امامت به عنوان یکی از ابعاد سیاسی - اعتقادی این کتاب مورد بررسی قرار می گیرد. شیوه ما در این تحقیق، بررسی مقدار تأثیرگذاری اندیشه امام سجاده (ع) بر جامعه اسلامی عصر اموی است. چنین بررسی هایی از لحاظ روش شناختی مربوط به جامعه شناسی معرفت است که در آن نسبت میان فکر و ساختار جامعه مورد بررسی قرار می گیرد تا مشخص شود آن تفکر تا چه حد برگرفته یا برآمده و متناسب با فضای موجود بوده و با چه اهداف و انگیزه هایی گفته شده است و در نهایت تا چه حد توانسته به اهداف خود برسد.

مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی

در این بررسی از فن تحلیل محتوا استفاده خواهد شد که مهم ترین و قدیمی ترین کاربرد آن در متون دینی است (ساروخانی، ج ۲/ ۲۹۳). با استفاده از این روش می توان خصوصیات و ویژگی های اجتماعی یک دوره را تبیین کرد. به عبارت دیگر، با استفاده از این روش می توان ویژگی های نویسنده و ویژگی های دوره وی را شناسایی و بررسی کرد و به تبع آن می توان شرایط کلی فرهنگ آن دوره و عقاید ویژه آن جامعه را مورد بررسی قرار داد (همان، صص ۲۸۸-۲۹۱).

۱. ر.ک: رهبر، محمد تقی، سیاست و اجتماع در صحیفه سجادیه، معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، تهران: ۱۳۶۶.

پیش از تحلیل محتوای صحیفه سجادیه و بررسی مسأله امامت در آن، وضع سیاسی و اجتماعی آن عصر به تصویر کشیده خواهد شد تا در پرتو آن، مضامین و گفته‌های امام سجاده(ع) مورد مذاقه قرار گیرد.

اوضاع سیاسی - اعتقادی عصر امام سجاده(ع)

رهبران جوامع اسلامی، با اهداف و انگیزه‌های مشابه از سوی خداوند برگزیده شده‌اند. آنچه شیوه عملکرد آنان را نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی از یکدیگر متمایز کرده، شرایط و مقتضیات زمانی است، از این رو در تجزیه و تحلیل مواضع سیاسی و اعتقادی امام سجاده(ع)، شناخت شرایط عصر ایشان ضروری است.

هیچ عصری از اعصار اسلامی، مانند عصر امام سجاده(ع) دچار اضطراب سیاسی و اجتماعی نبوده است. این دوره چنان در آشوب‌ها و رویدادهای سهمگین فرو رفته بود که روح آرامش و امنیت از میان رفته بود و مسلمانان همواره دچار اضطراب و نگرانی بودند و به واقع، هرگونه امید به زندگی عزتمندانه از میان رفته بود. دوران سی و چهار ساله امامت ایشان مصادف با خلافت عبدالله بن زبیر در مکه و سلسله امویان در دمشق بود. آن حضرت با خلفای اموی دمشق از جمله: یزید بن معاویه (۶۰-۶۴)، معاویه بن یزید (۶۴)، مروان بن حکم (۶۴-۶۵)، عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶) و ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶) هم عصر بود.

آغاز فعالیت‌های امام سجاده(ع) مصادف با فجیع‌ترین واقعه تاریخ اسلام یعنی واقعه عاشورا بود (مسعودی، التنبیه، ص ۲۶۴). یزید بن معاویه به عنوان شخصیتی ضد دینی، پس از واقعه عاشورا با سرکوبی دیگر مخالفانش جریانی به راه انداخت که از آن میان می‌توان به واقعه حرّه اشاره کرد.

بعد از آن‌که یزید معاصی متعدد را چون قتل امام حسین(ع) را مرتکب شد (مسعودی، مروج الذهب، ج ۷/۸۳)، مردم مدینه در سال ۶۳ هجری با تدبیر و حیل

عبدالله بن زبیر (طبری، تاریخ، ج ۴۷۸/۵) و با رهبری عبدالله بن حنظلّه، در مدینه شورش کردند و با بیرون کردن حاکم مدینه، یزید را از خلافت عزل و با عبدالله بن زبیر به عنوان خلیفه بیعت کردند (ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۲۱۹/۳). این حرکت مردم مدینه در همان سال به شدت از سوی یزید سرکوب شد و سپاهیان یزید به دستور وی، سه روز چنان شهر پیامبر (ص) را غارت کردند (ر.ک: سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۲۰۹؛ طبری، تاریخ، ج ۴۸۴/۵؛ سهیلی، ج ۴/۶-۲۵۳) که از آن به بعد مدینه طیبّه را مدینه نتنّه (محتفّن) می خواندند (مسعودی، مروج الذهب، ج ۷۸/۳) و مسعودی (التنبیه، ص ۲۶۴) آن را فجیع ترین حادثه پس از شهادت امام حسین (ع) بر شمرده است.

پس از سرکوبی مردم مدینه، سپاه یزید برای سرکوبی شورش عبدالله بن زبیر به مکه هجوم بردند و در بحبوحه جنگی که منجر به تخریب و آتش گرفتن کعبه نیز شد، با رسیدن خبر مرگ یزید به ناچار به دمشق برگشت. در چنین شرایطی کار به آن جا رسید که به تعبیر امام صادق (ع) جز سه نفر بقیه مردم مرتد شده بودند (کشی، ص ۱۱۳). اگرچه امام سجاد (ع) با درایتی که داشت، وارد دعوای قدرت نشده بود، اختلافات زیادی بین شیعیان به وجود آمد و شیعیان شش فرقه شدند (نوبختی، ص ۲۸، صص ۵۵-۵۱). از مهم ترین این فرقه ها می توان به کیسانیه اشاره کرد. بعد از واقعه عاشورا، به خاطر تقیه امام سجاد (ع)، مختار، امامت را از اعقاب پیامبر (ص) و نسل فاطمه (ع) به فرزند دیگر امام علی (ع)، محمد حنفیه، منتقل کرد و به این ترتیب اولین انحراف را در مرکزیت تشیع به وجود آورد (جعفری، ص ۲۷۷). این انحراف به حدی بود که اکثر شیعیان به جای امام سجاد (ع) از امامت محمد حنفیه پیروی کردند و حتی مختار توانست بقایای توأیین معتقد به امامت امام سجاد (ع) را جذب محمد بن حنفیه کند (همان، ص ۲۸۰).

پس از مرگ یزید در سال ۶۴ هجری، خلافت در جهان اسلام دو شاخه شد: عبدالله بن زبیر که از چند سال پیش مدعی خلافت شده بود، با استفاده از اختلاف

نظری که در دمشق بر سر جانشینی یزید شده بود، کارش بالا گرفت و با تسلط بر شهرهای مکه و مدینه در حجاز به خلافت نشست و به رقابت با دمشق پرداخت. عبدالله بن زبیر در سختگیری بر رقیبان و مخالفانش از چیزی فروگذار نبود. او شیعیانی را که از بیعت با او امتناع کرده بودند در دره‌ای پر از هیزم جمع و به سوزاندن تهدیدشان کرد (مسعودی، مروج الذهب، ج ۳/۸۵). وی حتی چهل روز در خطبه‌هایش سلام و صلوات بر پیامبر (ص) را حذف کرد (همان، ص ۸۸). در چنین فضایی امام (ع) ضمن فتنه خواندن حرکت‌های ابن زبیر که به بهانه بیعت انجام می‌شد، عملاً سکوت اختیار کرده بودند (اریلی، کشف الغمّه، ج ۲/۲۵۶).

در بین امویان دمشق، معاویه بن یزید (۶۴۰ق)، با توجه به شناخت درستی که از وضع موجود داشت، علاقه‌ای به خلافت نداشت (سیوطی، ص ۲۱۱)، از این رو خلافت به مروان بن حکم (۶۴۰-۶۵۰ق) رسید. مروان کسی بود که از زمان حضرت رسول (ص) به دشمنی با دین خدا پرداخته بود. وی این دشمنی را در خلافت عثمان و سپس در دوران خلافت خود به اوج رسانده بود تا جایی که در منابر وابسته به حکومتش، آشکارا به امام علی (ع) توهین می‌شدند (ابن ابی الحدید، ج ۱۳/۲۲۰). گرچه خلافت مروان دیری نپایید، بدعتی که او بنیان نهاده بود در زمان خلفای بعدی با شدت ادامه یافت.

عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶ق) در آغاز خلافتش اعلام کرد که مانند عثمان، زیون و تحقیر شده و مثل، معاویه آسانگیر و چون یزید، بی‌خرد نیست و بر عکس خلفای گذشته نه با مال و ثروت که با شمشیر، همه را مطیع خواهد کرد (سیوطی، ص ۲۱۸). وی با تکیه بر سرداری چون حجاج بن یوسف ثقفی (ف ۹۴ق) به ادعاهای خود جامه عمل پوشاند. حجاج به حدی سختگیر و خونریز بود که تنها در عراق صد و بیست هزار نفر را کشت (ابن حجر، ج ۲/۲۱۱) و در آنجا زندان‌های مختلطی ساخته بود که حدود پنجاه هزار مرد و سی هزار زن، نیمی مجرد و برهنه در آن‌ها زندانی

بودند (همان؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۳/۶-۱۷۵). وی در سختگیری بر اهل بیت (ع) کار را به جایی رسانده بود که مکرر عبدالملک را برتر از پیامبر (ص) معرفی می کرد و مردم را به طواف گرد خانه وی فرا می خواند (ابن ابی الحدید، ج ۱۵/۲۴۲). در آزار شیعیان نیز چنان کرد که به گفته امام باقر (ع)، شنیدن نام زندیق برای او بهتر از شنیدن نام شیعه علی (ع) بود. او برای محدود کردن شیعیان بر دست و گردنشان علامت گذاشت (سیوطی، ص ۲۲۰) و حتی علی رغم خواست عبدالملک، بر قتل امام سجاد (ع) اصرار داشت (اربلی، کشف الغمه، ج ۲/۳۱۱).

در ایام خلافت ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶ ق) سرکش خدانشناس و ستمگر بیدادگر (مسعودی، مروج الذهب، ج ۳/۱۶۶)، زمین از ظلم و جور پر شده بود (سیوطی، ص ۲۲۳) و انحراف های اخلاقی با محوریت تحلیفه رواج یافته بود. به گونه ای که بخشش به آوازه خوانان از محبوب ترین کارهای او نزد مردم بود (ابوالفرج اصفهانی، ج ۵/۱۱۱). ولید، کینه توزترین خلفا نسبت به اهل بیت (ع) و شیعیان، در نهایت در سال ۹۵ هجری امام (ع) را با زهر به شهادت رساند (طبری، دلائل الامامه، ص ۸۰ شوشتری، ج ۱۲/۱۰؛ اصفهانی، ص ۱۴۲). تحقیق در مورد ستمگری

اگرچه امویان، اهل بیت (ع) و محبان آنان را اذیت و آزار می کردند و اجازه بردن نام ایشان را نیز نمی دادند و در حوزه حکومتی خود از انتخاب نام علی بر این فرزندان جلوگیری می کردند، با توجه به آیات و روایات تجلیل از اهل بیت (ع)، سعی می کردند از عنوان اهل بیت (ع) برای تحکیم مبانی خلافت نامشروع خود سوء استفاده کنند. آنان خود را مصداق اهل بیت (ع) معرفی می کردند و برخی زنان پیامبر (ص) از جمله عایشه در مکه، برای تحکیم خلافت ابن زبیر، خود را مصداق اهل بیت پیامبر (ص) معرفی می کرد؛ در حالی که چون هیچ کدام از همسران پیامبر (ص) فرزندی نداشتند، اهل بیت بودنشان منتفی بود.

در چنین اوضاع و احوالی، بدون تردید مهمترین وظیفه امام سجاد(ع) باز تعریف مسأله امامت و تبیین و تثبیت جایگاه خود به عنوان امام بود تا بتواند ضمن حفظ و تحکیم پایه های تشیع، جامعه اسلامی را نیز از انحرافات موجود آگاه کند. در این مسیر امام(ع) با ابهام زدایی از مفاهیمی چون اهل بیت(ع)، آل رسول(ص) و اولیاء الله، ضمن تعریف اصل امامت، با بیان ویژگی های امامت، خود را به عنوان مصداق بارز امام معرفی، و آسیب ها و مشکلات این حوزه را بیان کرده است.

بررسی محتوایی امامت در صحیفه سجادیه

۱- تبیین امامت

فلسفه وجودی امام(پیشوا) عقلاً امری گریز ناپذیر است. آنچه مورد اختلاف مکاتب است، ویژگی ها و اختیارات رهبری است. امام سجاد(ع) با استفاده از تعبیر گوناگون سعی کردند معنا و مفهوم امام را مشخص و در پرتو آن، مصداق عملی و عینی امام را برای مردم تبیین کنند. از جمله عبارت هایی که امام(ع) برای شناسایی مقام امامت استفاده کردند می توان به «اولیاء الله»، «اهل بیت(ع)»، «آل رسول(ص)» و «امام» اشاره کرد:

الف) اولیاء الله

"ولی" به معنای دوست و برگزیده خدا در زمین است. «اولیاء الله» کسانی اند که خدا دوستی و دشمنی با ایشان را هم ردیف دوستی و دشمنی با خود قرار داده است (نیایش ۴۷/ بند ۶۸؛ نیایش ۲۱/ بند ۱۲). و وعده بهشت به آنان داده است: (و تَمُمُ سُبُوغُ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ... وَ جَاوِرُ بَنِي الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَانِكَ فِي الْجَنَّةِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا الْأَصْفِيَانِكُ) (نیایش ۴۷/ بند ۱۳۲).

امام سجاد(ع) در جای دیگری ضمن معرفی خود به عنوان یکی از «اولیاء الله»، از خدا به خاطر بخشیدن چنین شرافتی، سپاسگزاری می کند (نیایش ۴۷/ ۶۸).

امام سجاده(ع) این مقام را چنان والا می داند که از خدا درخواست می کند در این دنیا(نیایش ۱/ بند۳۲) و آن دنیا(نیایش ۵۳/ بند۸) در ردیف آنان قرار گیرد و او را به حق محمد(ص) و آلش(ع) سوگند می دهد که تمامی وعده های خود را در مورد آنان محقق سازد: (نیایش ۴۴/ بند۱۲؛ نیایش ۲/ بند۱۵). ایشان همچنین دوستی و دشمنی با «اولیاءالله» را در ردیف دوستی و دشمنی با خدا معرفی می کند: (نیایش ۴۷/ بند۶۸).

(ب) اهل بیت(ع)

دوره امام سجاده(ع) دوره ای بود که فساد و انحراف اخلاقی در جامعه بالا گرفته و بسیاری از اصول دین از جمله توحید، نبوت و امامت دستخوش تحریف شده بود. در این دوره خلفا خود را برگزیدگان خلق و منصوبان خدا می دانستند و حتی خود را مصداق آیه اولوالامر(نساء/ ۵۹) یا حتی آیه تطهیر(احزاب/ ۳۳) معرفی می کردند.

بر این اساس امام(ع) می کوشید تا در کلام خویش مصداق «اولیاءالله» را به مردم معرفی کند. آن حضرت(ع)، اهل بیت(ع) را مصداق اولیاءالله دانسته، ایشان را آمرزیدگان حتمی خداوند و شفیع مسلمانان معرفی می کنند و شفاعت را مختص به ایشان می دانند: (نیایش ۲/ بند ۲۰). امام(ع) برای نشان دادن جایگاه رفیع اهل بیت(ع)، دشمن ایشان را دشمن پیامبر(ص) دانسته (و اعذنی و ذریتی... من شر کل من نصب لرسولک و لاهل بیتی حرباً...) (نیایش ۲۳/ بند ۶) با توجه به صفات مذکور برای اهل بیت(ع) در ادامه، ایشان را مصداق آیه تطهیر(احزاب/ ۳۳) و مجری فرمان های الهی معرفی می کند. ضمن این که لفظ "حجج الله" در تمام کاربردهایش تنها در مورد این افراد به کار رفته است (رب صلی علی اطائب اهل بیتی... و خلفاءک فی ارضک و حججک علی عبادک و طهرتهم من الرجس و الدنس تطهیراً بإرادتک...) (نیایش ۴۷/ بند ۵۷).

ج) آل رسول (آل محمد) (ع)

پیش از این در وصف اوضاع سیاسی - اجتماعی جامعه زمان امام سجاد (ع) گفته شد که در نقاط مختلف سرزمین اسلامی، مردم دیدگاه های متفاوتی درباره اهل بیت (ع) داشتند: در شام معاویه و خاندان او، خاندان رسول خدا شمرده می شدند و مردم هیچ کس را در اسلام همپایه او نمی دانستند. امویان نیز می کوشیدند تا فرزندان فاطمه (س) را ذریه علی (ع) معرفی کنند و با تبلیغات وسیع مانع شوند که ایشان خود را فرزندان پیامبر (ابن رسول الله) بنامند (مسعودی، مروج الذهب، ج ۳/۴۵) و می کوشیدند تا کم کم از اهمیت آل رسول (ع) در جامعه بکاهند و شخصیت ایشان را خدشه دار کنند.

بر این اساس امام (ع) با اختصاص نیایش دوم به "صلوات بر محمد (ص) و آلش (ع)" و ذکر صلوات های مکرر در اکثر دعاها که حتی به عنوان ترجیع بند دعاها به کار برده شده، بیان می کند که خداوند آل رسول (ع) را به عنوان وارثان پیامبر (ص) معرفی می کند: (اللهم انک انزلته علی نبیک محمد صلی الله علیه و آله مجملاً... و ورثنا علمه مفسراً...) (نیایش ۴۲/ بندهای ۵) و به این وسیله آنان را بر تمامی مردم برتری داده (نیایش ۲۴/ ۴)، مقامشان را همپایه مقام پیامبر (ص) و نقششان را همانند نقش اولیاء الله و امام، روشنگری در راه خدا می داند (نیایش ۴۲/ بند ۸). همچنین در چند جا با ذکر صلوات بر آل محمد (ص) و ذریه ی آن حضرت بر جایگاه اهل بیت (ع) تأکید می کند (نیایش ۲۴/ بند ۲۰). اساساً یکی از نشانه های درستی دعاهای صحیفه سجادیه، ذکر "صلوات بر محمد و آل محمد" است، چه زمانی که حتی گزاردن نام علی بر فرزندان تقبیح می شد و افراد به این خاطر تهدید می شدند و کار امویان جز با دشنام دادن بر علی (ع) استوار نمی شد (ابن ابی الحدید، ج ۱۳/ ۲۲۰) به کار بردن این تعبیر حائز اهمیت است.

همچنین از آنجا که در ادبیات عرب تکرار به مثابه تأکید است، امام علی بن حسین (ع) با اختصاص دادن صلوات به آل محمد (ع) که گاهی با تکرار لفظ «علی» آمده است: «صلی الله علی سیدنا... و علی آل الطاهرین» (نیایش ۴۵ / بند ۱۰)، «صلواتک علیه و علی آل» (نیایش ۴۲ / بند ۱۸) «رب صلّ علیه و علیهم» (نیایش ۴۷ / بند ۵۹) بر جایگاه آل رسول (ع) در جامعه تأکید می کند.

امام سجاد (ع) با به کار بردن تعبیرهایی چون «محمد و آل الطیبین الطاهرین الاخیار الانجبین» (نیایش ۶ / بند ۲۳) و «محمد و عترته الصفوة من بریتک الطاهرین» (نیایش ۳۴ / بند ۵) و همراه کردن «محمد» و «آل محمد» تأثیر بسزایی در موضع مردم نسبت به خاندان رسول (ع) خدا داشته است.

(د) ائمه (امام) (ع)

بعد از معرفی اهل بیت و آل رسول، به عنوان مصادیق اولیاء امام سجاد (ع) به بیان مصداق آیه اولوا الامر (نساء/۵۹) می پردازد. ایشان امام را پشتوانه دین خدا و رشته اتصال بندگان به خدا معرفی کرده و اطاعت از ایشان را به فرمان خدا، واجب دانسته است: (... و افترضت طاعته) (نیایش ۴۷ / بند ۶۱). نیز معتقد است که اطاعت از امام به واقع اطاعت از خداوند است: (... و الائمه الذین حتمت طاعتهم ممن یجری ذلک [التوحید والایمان بالله] به و علی یدیه) (نیایش ۴۸ / بند ۱۲) و به این ترتیب خداوند تنها راه رسیدن به خود را در پیروی از امامی قرار داده که هیچ وقت زمین خدا و دین الهی از وجود ایشان خالی نبوده است (نیایش ۴۷ / بند ۶۱).

(ه) تطبیق چهار اصطلاح «اولیاء الله»، «اهل بیت (ع)»، «آل رسول (ع)» و «امام (ع)» بر یکدیگر

در راستای معرفی رهبری جامعه اسلامی، الفاظ فوق در بند ۵۷ دعای ۴۷ بر یکدیگر منطبق می شوند. امام (ع) در این بخش از دعا، اهل بیت (ع) را مصداق آیه

تطهیر (احزاب/۳۳) دانسته، ایشان را وسیله ای برای رسیدن به خدا و عامل حفظ دین معرفی می کند که اطاعت از ایشان بر همه مسلمانان واجب است (نیایش ۴۸ / بند ۱۲). امام سجاده (ع) در پایان نیایش سوم، در وصف آل محمد (ع)، ایشان را دارنده علم گذشته و آینده و تنها و آخرین وارثان پیامبر (ص) معرفی می کند: (اللهم یا من خَصَّ محمداً و آله بالکرامه و حباهم بالرساله و خصَّصَهم بالوسیله و جعلهم ورثه الانبیاء و ختم بهم الاوصیاء و الائمه...) (صحیفه سجادیه، ص ۲۴). امام سجاده (ع) در "نیایش برای والدینش"، افتخار می کند که از اهل بیت پیامبر (ص) است؛ اهل بیتی که خداوند به ایشان شرافتی داده و حقوقی را نسبت به ایشان بر مردم واجب کرده است: (اللهم صلِّ علی محمد و آله کما شرفتنا به و صلِّ علی محمد و آله کما أوجبت لنا الحقَّ علی الخلق بسببه) (نیایش ۲۴ / بند ۴). به این ترتیب امام سجاده (ع) خود را تنها وارث و جانشین پیامبر (ص) و دارنده تمام حقوق و امتیازهای فوق می داند.



۲- ویژگی‌های امام (ع)

الف) رهبری دینی جامعه

امام سجاده (ع)، امامت را به معنای رهبری و جانشینی خدا در زمین، برای حفاظت از دین می داند و به عبارت بهتر امامان (ع) را حجت خدا در زمین: (خلفاء کفی ارضک و حججک علی عبادک) معرفی می کند (نیایش ۴۷ / بند ۵۷). در بخش دیگری از همان دعا، امام سجاده (ع) تأکید می کند که رهبر دینی منصوب خدا و همیشگی است و هیچ زمانی بندگان خدا از وجود چنین رهبری محروم نخواهند بود؛ رهبری که خداوند او را نشانه راه خود قرار داده و رشته وجود او را به خود گره زده و او را وسیله رسیدن به رضوان الهی قرار داده است. و همچنین پیروی از او را واجب گردانید و مردم را از نافرمانی او برحذر داشته است: (اللهم انک ائدت دینک فی کل اوانٍ بامام اقمته علماً لعبادک و مناراً فی بلادک. بعد أن وصلت حبله بحبلک و جعلته

الذریعة الی رضوانک و افترضت طاعته و حذرت معصيته و أمرت بامثال أوامره (نیایش ۴۷ / بند ۶۱). به دنبال آن امام (ع) تأکید می کند که علت تداوم امامت و لزوم اطاعت مردم از ایشان این است که امام واسطه میان بندگان و خداوند است تا به این وسیله مردم به سعادت و رضوان الهی دست یابند.

ب) مقام رفیع علمی ائمه (ع)

از آغاز دوره امامت امام سجاده (ع)، گرایش‌های غالبانه در جامعه شیعه رخنه و اندک اندک برخی از شیعیان را به خود جلب کرده بود. ائمه اطهار (ع) در انتساب هرگونه صفات فوق بشری نسبت به خود به شدت مخالفت کرده، تأکید می کردند که آنان صرفاً دانشمندانی پرهیزگار و جانشینان پیامبراند که حضرت (ص) مسلمانان را به پیروی از ایشان به عنوان مفسران حقیقی کتاب خدا و وارث علم پیامبر (ص) فرمان داده بود. البته این مخالفت ائمه (ع) متوجه آن گروه از مسلمانانی نیز می شد که برای استفاده علمی یا محبت به خاندان پیامبر (ص) به خدمت ائمه می آمدند و صرفاً به عنوان دانشمندانی از خاندان پیامبر (ص)، از ایشان نقل حدیث و فتوا می کردند و ایشان را به عنوان مفترض الطاعة قبول نداشتند (مدرستی طباطبائی، مکتب در فرآیند تکامل، ص ۴۲).

در همین راستا امام سجاده (ع) صریحاً بیان می کند که خداوند علم ویژه ای (علم ربانی) به امامان (ع) بخشیده (نیایش ۱ / بند ۱۱) و به واسطه ی همین علم، ایشان را بر سایر مردم برتری داده است، سایر مردم از دست یافتن به آن علم ناتوانند: (اللهم إنک أنزلته علی نبیک محمد صلی الله علیه وآله مجملاً وألهمته علم عجايبه مکملأ و ورثتنا علمه مفسراً و فضلنا علی من جهل علمه و قوینا علیه لترفعنا فوق من لم یطق حملة) (نیایش ۴۲ / بند ۵). امام (ع) در بیان کیفیت این علم از تعابیری چون: "علماً لعبادک و مناراً فی بلادک" (نیایش ۴۷ / بند ۶۱) و "جعلتهم خزنة علمک" (نیایش ۴۷ / بند ۵۷) استفاده می کند. امام (ع) برای رد تفکرات انحرافی غلات با استفاده از عبارت "ورثتنا"

تأکید می کند این علم که از پیامبر (ص) به آنها به ارث رسیده و شامل معارف قرآنی و تفسیر آیات قرآن است، تعلیمی است و با علم ملهم خدا به پیامبر (ص) متفاوت است (مدرسی چهاردهی، ص ۵۲۵). با این حال علمی است که بنا به تأکید امام (ع) مخصوص اهل بیت (ع) است (نیایش ۴۲ / بند ۵) و کسی جز معصوم تحمل دست یافتن و حتی عمل به آن را ندارد (مدرسی چهاردهی، ص ۵۲۵؛ قهبانی، ص ۵۷۹).

ج) عصمت

در اعتقاد شیعه امام حافظ و نگهبان دین است و رهبری دینی و دنیوی مردم را بر عهده دارد. شیعیان همان ادله اثبات نبوت را برای اثبات امامت نیز صادق می دانند. با این تفاوت که نبوت مستقیماً از طرف خداست؛ ولی امامت تعیینی از ناحیه پیامبر (ص) از طرف خداست (مطهری، ص ۹۲).

در مورد عصمت پیامبر (ص) شبهه ای مطرح نیست عصمت پیامبر (ص) برای هدایت مردم الزامی است تا مردم بتوانند به اعمال و گفتار او اعتماد کنند. از آنجا که امامت طبق اعتقاد شیعه، متمم نبوت است و از نظر بیان دین و رهبری دینی و دنیوی، امام (ع) جانشین پیامبر (ص) به شمار می رود، لازم است که امام (ع) نیز چون پیامبر (ص) معصوم از اشتباه و گناه باشد تا مردم به اعمال و اقوال او اعتماد داشته باشند (همان، ص ۷-۹۶). افزون بر این اگر امام (ع) معصوم نباشد و در انجام امور امامت اشتباه کند لازم است که دیگران او را به راه راست بیاورند و این امر با اصل وجوب اطاعت از اوامر و نواهی امام (ع) که قبلاً ذکر شد، ناسازگار است.

امام سجاد (ع) در بیان ویژگی های امامت به اصل عصمت پرداخته و با تعبیری چون: "آله الطیبین الطاهرين الاخيار الانجيين" (نیایش ۶ / بند ۲۳)، "اهل بیت الطاهرين" (نیایش ۲۴ / بند ۱)، "اهل بیت الطیبین الطاهرين" (نیایش ۱۷ / بند ۱۴)، "عتره الصفوه من بریتک الطاهرين" (نیایش ۴۳ / بند ۶)، "ربّ صلّ علی اطائب اهل

بیته" (نیایش ۴۷ / بند ۵۷) به این مهم اشاره کرده است. امام سجاده (ع) با تأکید بر منزّه بودن امامان (ع) از پلیدی و ناپاکی و گناه، بیان می کند که خداوند ایشان را از رجس و آلودگی پاک گردانیده است تا آنان را برای اجرای دستورهای خود انتخاب و با وجود آنها حجت را بر بندگان تمام کرده باشد و ایشان را وسیله ای برای رسیدن بندگان به خود و رضوان الهی قرار دهد (نیایش ۴۷ / بند ۵۷).

(د) شفاعت شیعیان

شفاعت و کارآیی آن در قیامت، از جمله مسائل عقیدتی است که در ضمن معارف گسترده صحیفه مورد توجه قرار گرفته است. امام سجاده (ع) با توجه به آیه قرآن کریم که می فرماید در روز قیامت هیچ شفاعت و وساطتی سود نمی بخشد، مگر شفاعت کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده باشد (طه / ۱۰۹)، تأکید می کند که خداوند این حق را به پیامبر (ص): (و أمکنهم مکن شفاعه) (نیایش ۴۲ / بند ۱۸) و اهل بیتش عنایت کرده است تا بتوانند شیعیان روز جزا باشند: (و لا شفاعه مخلوق رجوئه الا شفاعه محمد و اهل بیه) (نیایش ۴۸ / بند ۶).

مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

۳- غصب خلافت

امام سجاده (ع) در آن شرایط بحرانی به صراحت سخن از غصب امامت و رهبری عترت (ع) دارد. ایشان در دعای نماز روز جمعه و روز عید قربان (نیایش ۴۸) که هر دو از منصب های ولایی و از شؤون امامت است، به طور شفاف ابراز می دارد، این مقام از عترت رسول الله (ص) که شایسته آناند، به تاراج رفته است: (اللهم ان هذا المقام لخلفائک و اصفیائک و مواضع امنائک فی الدرجه الرفیعه الی اختصاصهم بها قد ابتزوها....) «خدایا این مقام که ویژه و شایسته جانشینان و برگزیدگان تو است و جایگاه افراد امین است برترین درجه را دارد و مقامی است که تنها عترت را شایسته آن می - دانی، از ایشان گرفته شده است!» (نیایش ۴۸ / بند ۹) آن گاه در پایان دعا بر تمام

دشمنان عترت و تمام مظاهر ستم و یاران و پیروان ستمگران بر حقوق عترت، از نخستین افراد وادی ستم تا آخرین آنان را مورد نفرین قرار می دهد و نیز آنان را که از راه ستمگران پیروی کردند یا حتی عملکرد آنان را پسندیده اند: (اللهم العن اعدائهم من الاولین و الاخرین و من رضی بافعالهم و اشیاعهم و اتباعهم) (نیایش ۴۸ / بند ۱۰). در جای دیگری امام (ع) از خداوند می خواهد تا آن حضرت را در رعایت حق دوستانش که شناسای حق ایشان و در حال نبرد با دشمنان اهل بیت (ع) اند یاری فرماید (نیایش ۲۶ / بند ۱).

خلاصه آن که امام سجاد (ع) به طور شفاف، امامت و رهبری را حق اهل بیت (ع) دانسته، برای دفاع از حقوق از دست رفته اش در موقع مناسب دست به افشاگری می زند.



نتیجه

خلافت بنی امیه با فراز و نشیب های زیادی آغاز شد. صلح امام حسن (ع) و انتقال خلافت به معاویه و به دنبال آن واقعه فجیع عاشورا و سرکوبی اهل بیت (ع) نشان دهنده سمت و سوی خلافت بنی امیه بود. خلافت موروثی و سلطنتی بنی امیه به هیچ کدام از ارزش های مادی و معنوی اسلام واقعی نمی گذاشت. افزون بر سرکوبی اهل بیت (ع) و شیعیان شان، سرکوبی شورش مدینه (واقعه حرّه)، و آتش زدن خانه خدا در مکه و تجمّل گرایی و دنیا طلبی سران بنی امیه از بارزترین جلوه های ابتذال آن دوره است.

بدون تردید امام سجاد (ع) در حساس ترین دوره تاریخی، سخت ترین دوره امامت را بر عهده داشت و می بایست برای احیای اسلام راستین کارش را از صفر آغاز کند (عاملی، ج ۱/ ۷۷) تا هم اندیشه شیعی را از جذب شدن در مذهب حاکم (تسنن) حفظ

کند هم آن را از دیگر فرقه های انحرافی شیعه چون زیدیه و کیسانیه و غلات متمایز و مشخص سازد.

امام سجاده(ع) در چنین وضعیت دشوار سیاسی- عقیدتی، با زبان دعا به بازخوانی و باز تعریف امامت به عنوان منصب الهی و به عنوان اهل بیت(ع) ادامه دهندگان رسالت نبوی(نیایش ۴۷/ بند ۶۱) پرداختند. ایشان در ضمن بیان ویژگی های امام، تأکید می کند که امام دارای علم ربانی(نیایش ۱/ بند ۱۱) و معصوم از خطا و اشتباه است(نیایش ۴۳/ بند ۶؛ نیایش ۴۷/ بند ۵۷) و به همین علت اطاعت از او واجب است(نیایش ۴۷/ بند ۶۱). در ادامه امام سجاده(ع) تصریح می کند که مقام رهبری دینی که تنها سزاوار اهل بیت پیامبر(ص) است، از ایشان ربوده شده است(نیایش ۴۸/ بند ۹). در نهایت امام سجاده(ع) برای متمایز ساختن خط امامت شیعی و خلافت غاصبانه اموی، بر تمام کسانی که از آن غاصبان حمایت و تبعیت می کنند یا نسبت به کارهای ظالمانه آنان واکنش نشان نمی دهند، لعنت می فرستد(نیایش ۴۸/ بند ۱۰).

مرکز تحقیقات کتاب و اسناد اسلامی

منابع

- صحیفه سجادیه؛ ترجمه: اسد الله مبشری، مقدمه: مهدی بازرگان، نشر نی، تهران: ۱۳۸۱ ش.
- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن؛ الذریعة الی تصانیف الشیعة؛ ویرایش: احمد منزوی، دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۴۳-۱۳۸۴ ش.
- ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه؛ تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعة الثانیة، دار احیاء الکتب العربیة، قم: ۱۹۶۷ م/ ۱۳۷۸ ق.
- ابن اثیر؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابة؛ تحقیق: ابراهیم النبأ و دیگران، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۳۱۹ ق/ ۱۹۷۰ م.

ابن حجر عسقلانی؛ تهذیب التهذیب؛ دارالفکر، ۱۴۱۵ق.

ابو الفرج اصفهانی؛ الاغانی؛ دارالثقافة، بیروت: ۱۹۶۰م.

اربلی، علی بن عیسی؛ کشف الغمّة؛ علّق علیه: حاج سید هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشمی، تبریز: ۱۳۸۱ق.

اصفهانی، محمد تقی؛ نورالابصار فی فضیلة الانتظار؛ موسسه خیریه علمی و دینی مهدیه اشکذر، ۱۳۶۱.

جعفری، حسین محمد؛ تشیع در مسیر تاریخ؛ ترجمه: محمد تقی آیت اللهی، چاپ هشتم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۷۴ش.

حکیم، سید محمد حسین؛ نسخه های خطی شروح و ترجمه های صحیفه سجادیه؛ کتابخانه آیت الله مرعشی، قم: ۱۳۸۲ش.

درگاهی، حسین؛ کتابنامه صحیفه سجادیه؛ نشر رایزن، تهران: ۱۳۷۸ش.

رهبر، محمد تقی؛ سیاست و اجتماع در صحیفه سجادیه؛ معاونت فرهنگی سازمان

تبلیغات اسلامی، تهران: ۱۳۶۶ش.

ساروخانی، باقر؛ روش های تحقیق در علوم اجتماعی؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران: ۱۳۷۷ش.

سهیلی، عبد الرحمن؛ الروض الانف؛ تحقیق: عبد الرحمن الوکیل، دارالکتب الحدیث، [بی جا]، [بی تا].

سیوطی، جلال الدین؛ تاریخ الخلفاء؛ تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، الطبعة الاولى، مطبعة امیر، قم: ۱۴۱۱ق/ ۱۳۷۰ش.

شوشتری، نورالله بن شریف الدین؛ احقاق الحق؛ مصحح: حسن الجاحی، [بی جا] ۱۳۶۶ق.

طبری، محمد بن جریر؛ *تاریخ الرسل و الملوك (التاریخ)*؛ تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، روائع التراث العربی، بیروت: [بی تا].

_____؛ *دلائل الامامة*؛ المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۳ق.

عاملی، جعفر مرتضی؛ *دراسات و بحوث فی التاریخ و الاسلام*؛ مرکز جواد، بیروت: ۱۴۱۴ق.

قهپانی، بدیع الزمان؛ *ریاض العابدین*؛ به کوشش: حسین درگاهی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۷۴ش.

کشی، محمد بن عمر؛ *اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)*؛ مؤسسة آل بیت، ۱۴۰۴ق.
مدرسی چهاردهی، محمد علی؛ *شرح صحیفه سجادیه*؛ انتشارات مرتضوی، تهران: ۱۳۷۹ش.

مدرسی طباطبائی، حسین؛ *مکتب در فرآیند تکامل*؛ ترجمه: هاشم ایزد پناه، نشر داروین، نیوجرسی: ۱۳۷۴ش.

_____؛ *میراث مکتوب شیعه*؛ ترجمه: سید علی قرایی و رسول جعفریان، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، قم: ۱۳۸۳ش.

مدیرشانه چی، کاظم؛ *«دعا و نیایش»؛ نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی*، شماره سی، مشهد: ۱۳۷۴ش.

مسعودی، ابوالحسن؛ *مروج الذهب و معادن الجواهر*؛ تحقیق: محمد محیی الدین عبد الحمید، الطبعة الثانية، مکتبة التجاریة الكبرى، مصر: ۱۳۶۷ق / ۱۹۴۸م.

_____؛ *التبیه و الاشراف*، دارالتراث، بیروت: ۱۳۳۸ق / ۱۹۶۸م.

مطهری، مرتضی؛ *امامت و رهبری*؛ انتشارات صدرا، چاپ ششم، تهران: ۱۳۶۶ش.

معارف، مجید؛ *تاریخ عمومی حدیث*؛ انتشارات کویر، تهران: ۱۳۷۷ش.

نویختی، حسن بن موسیٰ؛ *فرق الشیعه*؛ ترجمه و تعلیق: محمد جواد مشکور، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: ۱۳۸۱ش.



مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی